

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۰۳ فبروری ۲۰۱۶

خامنه ای و گدائی رأی از مردم برای مشروعیت دادن به دیکتاتوری!

با نزدیک شدن موعد انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی و هم چنین پنجمین دوره انتخابات خبرگان رهبری که قرار است هم زمان در هفتم اسفند ماه [حوت] امسال (۱۳۹۴) برگزار شود، ماشین تبلیغات جمهوری اسلامی به تکاپو افتاده تا تنور مضحکه انتخاباتی در پیش را تا می تواند گرم تر نماید. این روزها که موعد کاندیداتوری پایان یافته و نهادهای نظارتی در حال بررسی صلاحیت کاندیداها هستند، تم اصلی تبلیغات وزارت کشور تأکید بر تعداد زیاد کاندیداها می باشد. بر اساس گزارش خبرگزاری های جمهوری اسلامی بیش از دوازده هزار نفر برای شرکت در انتخابات مجلس و حدود هشتصد نفر برای مجلس خبرگان داوطلب شده اند. اگر چه مردم تحت ستم ایران به خوبی می دانند که هیچ کدام از این داوطلبین کاندیدای واقعی مردم نبوده و همگی خواستار پر کردن جیب های خود و بازی در چهارچوبی هستند که رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی برای مشروعیت بخشیدن به دیکتاتوری حاکم به وجود آورده است، ولی باز وزارت کشور با اعلام این که تعداد داوطلبان شرکت در انتخابات مجلس دو برابر انتخابات سال ۱۳۹۰ می باشد، همین نکته را نشانه ای از استقبال و "مشارکت پر شکوه مردم" در انتخابات اسفند ماه جلوه می دهد؛ و بعد اعلام می شود که این امر در تاریخ جمهوری اسلامی بی سابقه است. در همین رابطه وزیر کشور - عبدالرضا رحمانی فضلی - استقبال گسترده داوطلبان انتخابات خبرگان و مجلس شورای اسلامی را به "فال نیک" گرفته و از برگزاری "با شکوه" انتخابات اسفند ماه خبر داده است.

هر کس مضحکه های انتخاباتی جمهوری اسلامی را در سه دهه گذشته دنبال کرده و نتایج این شعبده بازی ها را با تبلیغات پیش از انتخابات مقایسه کرده باشد، معنای تبلیغات کنونی در مورد "انتخابات" اخیر را به روشنی درک کرده و متوجه می شود که چنین تبلیغاتی تنها از برنامه هائی خبر می دهد که سردمداران جمهوری اسلامی برای گرم کردن تنور انتخابات و نمایش به قول خودشان "مشارکت حداکثری" در پیش دارند. بر کسی پوشیده نیست که بخش بزرگی از این کاندیداها "داوطلب" از سوی هیأت های تعیین صلاحیت و نظارت استصوابی شورای نگهبان، فوراً از دور خارج خواهند شد و در نتیجه بود و نبود آن ها هیچ تأثیری در نتیجه انتخابات نخواهد داشت. اما وجود آن ها به این درد می خورد که جمهوری اسلامی بتواند با تبلیغ "مشارکت حداکثری" در ظاهر تنور انتخابات را گرم کند. البته شاید چنین شگردی برای برخی از جناح های درونی رژیم تلاشی باشد برای فرار از فیلتر شورای نگهبان. آخر، آن هائی که با نام های گوناگون در جرگه "اصلاح طلبان" جای می گیرند این طور تبلیغ می کنند که گویا به خاطر زیاد بودن تعداد

کاندیدها، ممکن است فیلتر شورای نگهبان نتواند همه را حذف کند و برخی از مهره های آنان بتوانند از آن فیلتر عبور کنند. اما، تجربه نشان می دهد که این شگرد گول زننده اگر چه ممکن است موجب فریب افرادی باشد که منافع خود را در مشارکت در دم و دستگاه جمهوری اسلامی جست و جو می کنند ولی خود طراحان آن می دانند که وجود تعداد زیاد کاندیدا در این که نام چه کسانی باید از صندوق های رأی بیرون آورده شوند و در واقع منتصب شوند، تأثیری نداشته و شورای نگهبان هم چون همیشه هر کس را به صلاح دستگاه حاکم نداند، حذف خواهد کرد.

با توجه به این واقعیت که در بیش از سه دهه گذشته وظیفه اصلی وزارت کشور در رابطه با انتخابات همواره آمارسازی برای نشان دادن به اصطلاح شرکت میلیونی مردم در انتخابات بوده و می باشد، از قرار وزارت کشور دولت روحانی قصد دارد روی دست همه دولت های دیگر بلند شده و آمارسازی برای پرشکوه جلوه دادن انتخابات هفتم اسفند و در واقع انتصابات دولتی اسفند ماه را از تعداد کاندیداها شروع کند. دولت روحانی دست به چنین کاری زده است تا وقتی که بعد از پایان این مضحکه مدعی شوند که میلیون ها نفر در انتخابات شرکت کرده اند، شگردشان بتواند بیشتر و راحت تر مورد پذیرش آن هائی که همواره فریب چنین آمارسازی هائی را می خورند، قرار گیرد. این ترفند مسخره کار را به آن جا رسانده که **احمد جنتی** دبیر شورای نگهبان هم صدایش درآمده و درباره "افزایش غیرمنتظره" داوطلبان نامزدی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان به قول یکی از مهره های رژیم "ابراز تعجب تردیدآمیز" نموده است.

اما جدا از همه ترفندهای دولت روحانی برای گرم نشان دادن نتور انتخابات، تجربه نشان داده که برای جمهوری اسلامی نمایش حضور گسترده مردم در انتخابات امری غیر قابل چشم پوشی است. به همین دلیل هم هست که ولی فقیه جنایتکار جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۹ دی [جدی]، در جمع گروهی از مردم قم، ملتسانه گفت که خواهان آن است که همه مردم، "حتی کسانی که نظام و رهبری را قبول ندارند"، در انتخابات پیش رو شرکت کرده و رأی بدهند. ملتسانه بودن این درخواست از سوی رهبر نظام امری کاملاً آشکار است. اما چنین درخواستی از یک طرف اشراف خامنه ای به مثابه رأس رژیم به وسعت ضدیت مردم ایران با جمهوری اسلامی را نشان می دهد از طرف دیگر بیانگر درجه وقاحت این ولی فقیه یا به عبارت دیگر دیکتاتور می باشد که ضمن اعتراف به این که "کسانی"، "نظام و رهبری" را قبول ندارند باز از آن ها رأی، گدائی می کند. خامنه ای در حالی که هیچ ارزشی برای آرای مردم قائل نیست، همواره هر نمایش مسخره انتخاباتی را با ادعای "حضور جهادی" مردم، یک "حماسه آفرینی" تازه و نمایانگر موفقیت و مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی جلوه داده است. واقعیت این است که شرکت مردم در چنین نمایشات مسخره به او امکان می دهد که بعد از انتصابات که خود انجام می دهند، وقیحانه و با بیشرمی اعلام کند که مردم پشتیبان او و "ولایت مطلقه" اش می باشند. این امر نشان می دهد که در سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی همان قدر که آرای مردم فاقد ارزش است همان قدر هم نمایش حضور وسیع آن ها در "انتخابات" از اهمیت برخوردار بوده و برای سردمداران جمهوری اسلامی امری ضروری است. چرا که آن ها به این وسیله امکان می یابند رژیم دار و شکنجه حاکم را دارای پایگاه مردمی و دارای "مشروعیت مردمی" جلوه دهند.

در شرایطی که در جامعه تحت سلطه ما هیچ یک از الزامات یک انتخابات آزاد وجود ندارد و مثلاً به مردم اجازه داده نمی شود که آزادانه خواست ها و مطالبات خود را طرح کنند و برای رسیدن به آن ها متشکل شوند و به عکس هر صدای مخالفت و اعتراضی را در گلو خفه می کنند، سخن گفتن از انتخابات، تنها تف کردن به چهره حقیقت می باشد. اگر انتخابات به طور طبیعی یعنی حق انتخاب کردن و به طور آزادانه اراده خود را بروز دادن، اما در ایران، دیکتاتوری حاکم با برقراری خفقان و سرکوب وحشیانه توده ها هر گونه فضای آزاد را لگدمال قدرت خود نموده است.

در نتیجه مردم ما زیر سلطه سرنیزه از آزادی اندیشه و تشکل و تجمع محروم شده اند. با توجه به این واقعیت است که انتخابات در زیر سلطه جمهوری اسلامی دارای معنای واقعی نیست و سردمداران جمهوری اسلامی همواره نمایش مسخره ای را که خود سازمان داده و مهندسی اش کرده اند، به نام انتخابات تبلیغ می کنند. اتفاقاً گاه برخی از سردمداران رژیم با اظهارات روشن و صریح خود این واقعیت را یادآوری می کنند. مثلاً یک بار امام جمعه مشهد در مقابل ادعاهای احمدی نژاد مبنی بر داشتن ۲۴ میلیون رأی مطرح کرد که اگر ۲۴۰ میلیون هم رأی داشتی، باز تا ولی فقیه تأیید نمی کرد همه آن رأی ها بی ارزش و از هیچ اعتباری برخوردار نبودند.

فاقد ارزش بودن رأی مردم، باعث شده تا در ۳۷ سال گذشته مردم ما نه با انتخابات بلکه با انتصاباتی مواجه باشند که به زور تبلیغات به جای انتخابات جا زده شده اند. این واقعیتی است که با نگاهی به ۳۷ سال سلطه جمهوری اسلامی و همه نمایشات انتخاباتی که تاکنون این رژیم سرکوبگر به راه انداخته با برجستگی در مقابل ما قرار می گیرد. در زیر سلطه "ولایت مطلقه فقیه" هرگز انتخابات واقعی وجود نداشته و نخواهد داشت و همواره حق انتخاب مردم ما پایمال اهداف آزمندانة سرکوبگران حاکم شده و خواهد شد. در واقع ولایت فقیه نام دیگر دیکتاتوری در ایران است. به همان گونه که شاه در رژیم گذشته خود را "شاه شاهان" نامیده و در رأس دیکتاتوری حاکم بر ایران قرار داشت، امروز نیز در سیستم ولایت فقیه جمهوری اسلامی، خامنه ای به عنوان ولی فقیه در رأس دیکتاتوری موجود قرار دارد. به واقع اگر خوب دقت کنیم این دیکتاتوری ها لازمه حاکمیت بورژوازی وابسته در جامعه ما می باشند. انقلاب مردم ما در سال ۱۳۵۶ - ۱۳۵۷ از آن جا که نتوانست در نبردی مسلحانه به تدریج این حاکمیت را از قدرت ساقط و آن را نابود سازد، دیکتاتوری در شکل دیگری خود را بر مردم ما تحمیل نمود. به سخن دیگر، دیکتاتوری ولایت فقیه در واقع بنیاد دیکتاتوری بورژوازی وابسته در ایران می باشد و این سرمایه داران وابسته ایران هستند که به مثابه طبقه حاکم دیروز از طریق شاه و امروز توسط جمهوری اسلامی بر مردم ما حکومت می کنند. آن ها هستند که با وقاحت و صراحت به کارگران و توده های ستمدیده اعلام می کنند که در مقابل اراده رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، اراده شان فاقد هر گونه ارزشی است. در چنین نظامی سخن گفتن از انتخابات آزاد تف کردن بر روی حقیقت است و این واقعیت را تجربه تمامی نمایشات انتخاباتی پیشین نشان داده است.

البته روشن است که با به راه افتادن ماشین تبلیغاتی جمهوری اسلامی حول انتخابات اسفند ماه، طیفی از اپوزیسیون خودی جمهوری اسلامی از اصلاح طلبان و نیروهائی چون اکثریت و حزب توده گرفته تا سازشکاران با توسل به دلائلی مسخره تر از ادعاهای بالماسکه گردانان انتخاباتی رژیم، مردم را تشویق به شرکت در این بساط می کنند. مثلاً در جریان به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری که قرار بود روحانی سر کار بیاید، زیبا کلام، یکی از سرسپردگان به این رژیم که گاه پز اپوزیسیون هم به خود می گیرد در حالی که ظاهراً اعتقاد مردم نسبت به بیهوده بودن انتخابات در ایران را تأیید می کرد با این استدلال که چه کنیم بالاخره مجبوریم به یکی رأی بدهیم و بهتر است به روحانی رأی دهیم به نوبه خود مردم را به رأی دادن تشویق می نمود و با چنین رویه ای در جهت اهداف حکومت حرکت می کرد.

همه فاکت های برشمرده در فوق بیانگر آنست که انتخابات پیش رو نیز همانند نمایشات انتخاباتی قبلی جمهوری اسلامی برای مردم ما فاقد هر گونه ارزش و اهمیت مبارزاتی است. چرا که پیش شرط های یک انتخابات آزاد در ایران تحت حاکمیت سیاه این رژیم وجود نداشته و ندارند. بنابراین مسلم است که عدم شرکت در چنین شعبده بازی پاسخ قاطعانه به انتصاباتی است که سردمداران جمهوری اسلامی با تکیه بر آن می کوشند عدم مشروعیت دیکتاتوری حاکم را در اذهان مخدوش ساخته و در افکار عمومی خود را دارای پایگاه مردمی جلوه دهند. به همین دلیل هم وظیفه همه نیرو ها و فعالان آزادیخواه است که با تکیه بر تجربه بیش از سه دهه شعبده بازی های انتخاباتی جمهوری اسلامی، با چنین

تبلیغاتی مقابله کرده و مردم را به عدم شرکت در چنین نمایشاتی دعوت کنند. واقعیات جاری در جامعه ما با هزاران دلیل نشان داده که در مقابل مردم ما انتخابی وجود ندارد جز مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته اش. این است پاسخ کارگران و توده های ستمدیده ما به خامنه ای و ماشین تبلیغاتی اش در مورد این که حتی "کسانی که نظام و رهبری را قبول ندارند" هم بیایند و در انتخابات پیش رو شرکت کنند.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۹۹ ، دی ماه [جدی] ۱۳۹۴